

تأثیر مناطق ویژه اقتصادی بر رفاه و توسعه اجتماعی مناطق شهری و روستائی

(مطالعه موردی: منطقه ویژه اقتصادی سلفچگان)^۱

غلامرضا لطیفی* ، محمدعلی قائم‌پور**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۱۵

چکیده

ایجاد مناطق آزاد تجاری، مناطق ویژه اقتصادی و در کل مناطق پردازش صادرات یکی از اهداف برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و ملی است که به منظور افزایش و توسعه صادرات، ایجاد اشتغال، جذب سرمایه‌گذاری داخلی، انتقال فناوری، افزایش درآمد عمومی و دیگر موارد انجام می‌پذیرند. اجرای چنین برنامه‌هایی و ایجاد چنین مناطقی، همواره مستلزم پیامدهایی در بعد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز هست. بر این اساس در این مقاله، تأثیر ایجاد

۱- این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد محمدعلی قائم‌پور در رشته برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای در دانشگاه علامه طباطبائی است.

latifi@atu.ac.ir

* . دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی.

** . دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول).

m.ghaempour@yahoo.com

منطقه ویژه اقتصادی سلفچگان بر توسعه اجتماعی شهر سلفچگان مورد بررسی قرار گرفت و پاسخ به این سئوالات که منطقه ویژه اقتصادی سلفچگان چه تأثیری بر رفاه اجتماعی و همچنین چه پیامدهای اجتماعی برای بومیان این منطقه به همراه داشته، از اهداف این مطالعه بوده است. این پژوهش از نوع توصیفی - پیمایشی بود و جامعه آماری آن، کلیه ساکنین روستای سلفچگان را که اخیراً طبق مصوبه وزارت کشور، شهر اعلام شد، دربرمی‌گرفت. بنا برآمار موجود جمعیت این شهر برحسب خانوار، ۲۱۱ خانوار بودند که به روش‌های نمونه‌گیری تصادفی، ۸۶ خانوار به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شده بودند. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد ایجاد منطقه ویژه اقتصادی سلفچگان از طرفی باعث کاهش همبستگی اجتماعی و کاهش اعتماد اجتماعی، در بین مردم سلفچگان شده، اما از جانب دیگر وجود این منطقه، باعث بهبود رفاه اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی مردم شهر سلفچگان شده است.

مفاهیم کلیدی: مناطق آزاد تجاری، مناطق ویژه اقتصادی، توسعه، توسعه اجتماعی، رفاه اجتماعی

مسئله پژوهش

این بخش از مقاله در سه قسمت تنظیم و تدوین شده است: ادبیات و تاریخچه مناطق ویژه اقتصادی در جهان، تاریخ شکل‌گیری مناطق ویژه اقتصادی در ایران و درنهایت طرح مسئله پژوهش و ارائه سؤال‌های مربوط به آن.

۱. در ادبیات موجود، واژه‌های گوناگونی مثل مناطق آزاد صنعتی و مناطق آزاد تجاری و غیره به جای یکدیگر به‌کار می‌روند، این‌گونه مناطق در چین و هند با عنوان «مناطق ویژه اقتصادی»، در مکزیک، کاستاریکا و السالوادور با عنوان «Maquiladoras»، در غنا، کامرون و اردن با عنوان «مناطق آزاد صنعتی»، در فلپین با عنوان «مناطق

پردازش صادرات» و در روسیه با عنوان «مناطق اقتصاد آزاد»^۱ شناخته می‌شوند (Sadni-2007, cited by Aggarwal, 2007). توماس این‌گونه اصطلاحات را در یک تعریف چنین جمع‌بندی کرد: «یک منطقه بسته و محدود و اداری جداشده، فاقد جمعیت ساکن، مجهز به امکانات لازم برای بارگیری، تخلیه، تأمین سوخت، ذخیره‌سازی کالا، بدون پرداخت عوارض و همچنین بدون دخالت قوانین گمرکی (Thomas, 1956:7, cited by Reigstad, 2007). رایج‌ترین و کلی‌ترین اصطلاح از میان واژه‌های مزبور، واژه «منطقه پردازش صادرات»^۲ است. مناطق پردازش صادرات، مناطق اقتصادی محصورشده و حراست شده‌ای هستند که در آن تولید برای صادرات تحت شرایط تجاری آزاد به صورت واقعی رخ می‌دهد. بانک جهانی (۱۹۹۲) مناطق پردازش صادرات را به عنوان عناصر اصلی مناطق آزاد تجاری و پارک‌های صنعتی توصیف کرد (Reigstad, 2007). از منظر تئوریک و نظری، مبنای اصلی شکل‌گیری این نوع مناطق، اصل هزینه نسبی «ریکاردو» است که براساس آن، سیاست‌های برون‌گرا، تجارت بین‌المللی، گسترش صادرات و درنهایت توسعه اقتصادی تجویز شده است (۱۹۹۵؛ علوی‌نسب، ۱۳۸۱: ۱۵۱؛ تحقیقی، ۱۳۸۶: ۲۹). مناطق ویژه اقتصادی^۳ شکل اصلاح‌شده و توسعه‌یافته مناطق آزاد تجاری و مناطق پردازش صادرات است که نخستین بار، با ابتکار چینی‌ها، شکل گرفت (Singh, 1995؛ علوی‌نسب، ۱۳۸۱؛ ژکوئی، ۱۳۷۰). در کل مناطق ویژه اقتصادی، به‌مثابه یک منطقه خارجی در قلمرو داخلی یک کشور محسوب می‌شوند و ضمن برخورداری از اهداف عملیات تجاری از مالیات و تعرفه گمرکی معاف هستند و دارای مجموعه‌ای از سیاست‌های ابزاری و امتیازاتی هستند که امکان به‌کارگیری شان و استفاده از آنها در سایر نقاط یک کشور وجود ندارد (Thakur, 2010, Ge, 1999, cited by Reigstad, 2007)

-
1. Free economic zone
 2. Export processing zone
 3. Special Economic Zone (SEZs)

منطقه مشخص از زمین، محصور و حراست می‌شوند با هدف توسعه اقتصادی، جذب سرمایه خارجی، صادرات، خدمات برای صادرات و ارتقای صنعت فعالیت می‌کنند (Shah, 2008; Yeung et al., 2009; Thakur, 2010; Kong, 2013) و معمولاً مشمول قوانین اقتصاد لیبرالی و آزاد و نه قوانین اقتصاد معمولی هستند (Shah, 2008). از نظر «بانک جهانی» برخی از این ویژگی‌های این مناطق عبارت‌اند از: ۱. مناطق ویژه اقتصادی به لحاظ جغرافیایی محدود و به لحاظ فیزیکی مورد حمایت‌اند؛ ۲. چنین مناطقی دارای مدیریت و سازمان واحدی هستند؛ ۳. دارای مزایایی هستند که بر مکان فیزیکی‌شان در منطقه مبتنی است و ۴. دارای قوانین و آداب و رسوم جداگانه و خاص خودند (World Bank, 2009). یکی از اهداف چنین مناطقی توسعه اقتصاد ملی (کامران، ۱۳۸۱) و جذب سرمایه خارجی به‌طور مستقیم (Yeung et al., 2009) است. این مناطق، نه تنها با اهداف اقتصادی و رشد اقتصادی، طراحی و ایجاد می‌شوند بلکه «ابزاری برای توسعه اقتصادی تلقی می‌شوند» (Rohne, 2013 yeung, 2009). مناطق ویژه اقتصادی دارای دو نوع مزایای اصلی و مهم هستند؛ یکی مزایای مستقیم اقتصادی از قبیل: ارتقای مهارت‌ها، زمینه‌سازی و آزمایش برای اصلاحات اقتصادی گسترده‌تر، انتقال فناوری، تنوع صادرات، بهبود بهره‌وری شرکت‌های داخلی و دیگری مزایای غیرمستقیم مانند: درآمد ارز خارجی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اشتغال‌زایی، درآمد دولتی و رشد صادرات (Zong, 2011). چنانچه مشاهده می‌شود هر دو نوع این مزایا، بر رشد اقتصادی متمرکزند و بعد اجتماعی و پیامدهای اجتماعی را دربرنمی‌گیرند. در این مقاله تلاش شده تا به پیامدها و مزایای مناطق اقتصادی مزبور در بعد اجتماعی و انسانی نیز توجه شود.

۲. الگوی موفق مناطق ویژه اقتصادی در کشور چین باعث شد تا خیلی دیگر از ملیت‌ها و کشورها از آسیا تا آمریکای لاتین، اروپا و آفریقا، برای دست یابی به مناطق ویژه اقتصادی اقدام نمایند تا از این طریق، سرمایه خارجی را جذب کنند، صادرات را

افزایش دهند، ایجاد اشتغال نمایند، صنعت را به حرکت در بیاوردند و زیر ساخت‌های موجود را ارتقاء دهند (Yeung, 2009). کشور ایران به‌عنوان یک کشور آسیایی نیز دست به چنین اقدامی زد و ایجاد مناطق آزاد تجاری و مناطق ویژه اقتصادی را در برنامه‌های اقتصادی خود مورد اهتمام قرار داد. اندیشه تأسیس و را اندازی مناطق آزاد در ایران در دهه ۱۳۳۰ شکل گرفت. در آن سال‌ها با توجه به وجود مشکلات ناشی از فقدان تسهیلات و تأسیسات مورد نیاز برای نگهداری کالاهای وارد شده به کشور، در بنادر جنوبی ضرورت ایجاد مناطق آزاد در کشور احساس می‌شد (اسفندیاری و دیگران، ۱۳۸۷). همچنین ضربه‌پذیری اقتصاد ایران به‌علت متکی بودن بر نفت و نوسان‌های ارزی، این ضرورت را مضاعف کرد (کامران، ۱۳۸۷). با وقوع انقلاب اسلامی ایران، جزیره کیش به‌عنوان اولین منطقه تجارت آزاد ایران، تعیین و در سال ۱۳۶۸ براساس برنامه پنج ساله اول توسعه به دولت اجازه داده شده تا در سه نقطه مرزی کشور اقدام به تأسیس مناطق آزاد تجاری صنعتی کند (اسفندیاری و دیگران، ۱۳۸۷). طبق بند «د» تبصره ۲۵ قانون برنامه دوم، شورای عالی ایجاد مناطق ویژه اقتصادی را تصویب کرد اما به‌علت مشکلات آیین‌نامه‌ای، نهایتاً قانون تشکیل و اداره مناطق ویژه اقتصادی تصویب شد. این قانون در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۱۳۸۴/۳/۱۱ مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۴/۹/۵ با اصلاحاتی در تبصره ماده ۱ و الحاق یک تبصره به آن و تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۳ و الحاق یک ماده به‌عنوان ماده ۲۴ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است. طبق گزارش بانک جهانی، سه نوع اصلی از نظام‌های دسترسی صادرکنندگان ایرانی به نهاده‌های وارداتی بدون پرداخت حقوق گمرکی را فراهم می‌آورند: الف) استرداد حقوق گمرکی؛ ب) معافیت‌های گمرکی یا واردات سوخت و ج) مناطق آزاد: مناطقی هستند که در آنها هیچ کنترل گمرکی داخلی بر تجارت بین کشورهای خارجی و کارخانه‌ها و انبارهای داخلی این مناطق وجود ندارد. کنترل‌های گمرکی بر تجارت بین هر منطقه و بقیه اقتصاد داخلی اعمال می‌شود، این تعریف عمومی شامل مناطق ویژه اقتصادی در ایران نیز

می‌شود (بانک جهانی، ۱۳۸۳). طبق گزارش بانک جهانی مناطق ویژه اقتصادی در ایران شبیه مناطق آزادند و فقط چهار تفاوت اساسی با آنها دارند: ۱. در مناطق ویژه اقتصادی تأمین اجتماعی و مقررات کار شبیه به سرزمین اصلی است درحالی‌که این قوانین در مناطق آزاد آسان‌ترند؛ ۲. مناطق آزاد مجاز به عمده‌فروشی و خرده‌فروشی هستند، اما مناطق ویژه فقط مجاز به عمده‌فروشی هستند؛ ۳. در مناطق ویژه اقتصادی فقط از خدمات بانکی و بیمه داخلی استفاده می‌شود، اما در مناطق آزاد تجاری، بانک‌های خارجی مجاز به ایجاد شعبه هستند و ۴. در مناطق ویژه قوانین ملی بر ثبت شرکت‌ها و حق مالکیت حاکم است، درحالی‌که در مناطق آزاد تجاری بنگاه‌ها مقررات خود را در این مناطق دارند^۱ (همان). منطقه ویژه اقتصادی سلفچگان یکی از مناطقی است که براساس قانون مزبور شکل گرفت، این منطقه در محدوده‌ای به وسعت ۲۰۰۰ هکتار در ۱۸۵ کیلومتری تهران و در چهارراه جاده‌های ترانزیت مرکز سیاسی اقتصادی کشور واقع در جاده ابریشم، راه‌آهن سراسری و بزرگراه‌های اصلی شمال به جنوب و شرق به غرب ایران بوده و برای برقراری ارتباط با اروپا، کشورهای آسیای مرکزی و خلیج فارس، به‌منظور تولید، صادرات و ترانزیت کالا، موقعیتی ممتاز و منحصربه‌فرد دارد.^۲ طبیعی است چنین موقعیت ممتاز و منحصربه‌فردی با افزایش فعالیت‌های اقتصادی بر محیط اجتماعی مجاور نیز اثر خواهد گذاشت. قبل از اجرای پژوهش اصلی که این مقاله برگرفته از آن است، مفروضات نسبت به مجاری تأثیرپذیری روستای سلفچگان از منطقه ویژه اقتصادی عبارت بودند از: الف) تأثیرات کالبدی نظیر واگذاری تمام‌اراضی پیش‌بینی شده در فاز یک به میزان ۵۲۸ هکتار و رساندن این میزان به ۹۱۰۰۰ هکتار در فاز سه، ساخت بارانداز راه‌آهن، احداث شبکه آب‌رسانی، احداث نهرهای روباز و سرپوشیده، احداث منبع بتونی ۵۰۰۰ مترمکعبی، احداث محل‌های تجاری، اداری،

۱- همچنین برای آشنایی بیشتر با جزئیات مناطق ویژه اقتصادی و مناطق آزاد در ایران به مقاله مهدی تحقیقی

(۱۳۸۶) با عنوان «تحلیلی بر وضعیت مناطق آزاد و ویژه در ایران» مراجعه شود.

۲- برای اطلاعات بیشتر به سایت www.slafchegan.org مراجعه شود.

گمرگ و میادین اصلی، احداث شبکه مخابرات فیبر نوری، احداث شبکه هوایی و... هر کدام در دو فاز یک و دو؛ ب) تأثیرات روابط انسانی از قبیل حضور متناوب هیأت‌های سرمایه‌گذار خارجی، حضور دائم اتباع خارجی در جایگاه کارگزار، نماینده تجاری، کارمند، کارگر و نیروی خدماتی و حضور شاغلان جدید از شهرهای مختلف و داخلی کشور و زندگی شبانه‌روزی در شهر سلفچگان در قالب مستأجر یا خریدن خانه، حضور دانشجویان غیربومی از طریق راه‌اندازی واحدهای دانشگاهی، مثل دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه پیام نور و در کل افزایش جمعیت غیربومی، اعم از خارجی و داخلی و ج) تأثیرات حاصل از شهر شدن روستای سلفچگان و به تبع آن مستقر شدن ادارات شهری و افزایش خدمات شهری. فرض اصلی پژوهش این بود که وضعیت اجتماعی و رفاهی مردم سلفچگان تحت تأثیر این شرایط نیز تغییر می‌کند.

۳. مطالب مطرح‌شده در بندهای ۱ و ۲ در بالا، به‌خوبی روشن می‌سازد که اهداف اصلی ایجاد مناطق پردازش صادرات اعم از مناطق آزاد تجاری و مناطق ویژه اقتصادی، توسعه و رشد اقتصادی است. در توسعه اقتصادی، عمدتاً به رشد اقتصادی و افزایش درآمد سرانه به‌طور مداوم و توأم با تحولات (تغییرات فنی و تغییرات ارزشی) توجه می‌شود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴؛ قانع‌راد، ۱۳۸۴؛ بابایی‌فرد، ۱۳۸۹). آرتور لوئیس رشد اقتصادی را به معنای افزایش سود می‌داند و آن را شامل مفاهیمی همچون رفاه، آسایش و سعادت نمی‌داند و کاری به توزیع و مصرف آنها ندارد. از نظر او افزایش رشد اقتصادی، نه‌تنها ممکن است باعث بهبود شرایط زندگی افراد جامعه نشود، بلکه وخیم‌تر نیز شود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴؛ بابایی‌فرد، ۱۳۸۹). بنابراین، اجرای یک برنامه و یک پروژه اقتصادی مثل مناطق آزاد تجاری و مناطق ویژه اقتصادی، مزایا و پیامدهای گوناگونی در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دارد و روابط این ابعاد چندگانه، بایستی به‌صورت درهم‌تنیده و سیستمی مورد مطالعه و بررسی قرار بگیرند. زیرا «براساس برداشت مرکزی نگرش سیستمی، بسیاری از پدیده‌ها، چه اجتماعی یا اقتصادی باشند و چه هویتی بیولوژیکی یا کالبدی داشته باشند، را می‌توان

به شکل مفیدی به‌عنوان نظام‌های پیچیده‌ای در نظر گرفت که متقابلاً بر روی همدیگر تأثیرمی‌گذارند» (هال، ۱۳۸۷: ۳۱۷؛ مک‌ل‌لین، ۱۳۸۵). براساس این نگرش و رویکرد توسعه اجتماعی که در صفحات بعدی به آن خواهیم پرداخت نباید از پیامدهای اجتماعی و انسانی برنامه‌ریزی و شکل‌گیری مناطقی مثل مناطق ویژه اقتصادی و آزاد تجاری غافل ماند، بلکه بایستی بعد فضایی و انسانی آنها نیز مطمح نظر باشد، به‌خصوص که معمولاً مناطق ویژه اقتصادی، دارای اهدافی اقتصادی هستند و با استقرار صنایع و خدمات، همراه هستند و فعالیت‌های اقتصادی در هر منطقه «مثل تأسیس کارخانه‌ها، ادارات، مغازه‌ها و بازارهای وسیعی باعث یک سری دگرگونی‌هایی در محیط می‌شود» (چمبرز، ۱۳۷۷: ۳۰). این تأثیرات با ایجاد منطقه ویژه اقتصادی سلفچگان قم در حدی بود که وزارت کشور موضوع شهر شدن روستای سلفچگان را تصویب و اعلام کرد که به‌تبع آن انتظار می‌رود محیط اجتماعی منطقه مورد نظر نیز دستخوش تغییر شود. این نوع تغییرات، همان مقوله‌هایی هستند که در بعد رفاه و توسعه اجتماعی به آنها توجه می‌شود. ازاین‌رو دراین مقاله سعی شده تأثیرات اجتماعی ناشی از استقرار این گونه صنایع، خدمات و برنامه‌ریزی اقتصادی بر شهر سلفچگان سنجدیه و به دو سؤال اساسی پاسخ داده شود:

۱. ایجاد و استقرار منطقه ویژه اقتصادی سلفچگان چه تأثیری بر رفاه اجتماعی مردم بومی این منطقه داشته است؟ و ۲. این منطقه اقتصادی چه پیامدهای اجتماعی‌ای برای بومیان این منطقه به همراه داشته است؟ به‌تبع این دو سؤال، تأثیر منطقه ویژه اقتصادی سلفچگان بر میزان همبستگی، اعتماد اجتماعی، کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی مردم شهر سلفچگان نیز مورد سنجش و سؤال قرار گرفته‌اند.

پیشینه پژوهش

در طرح مسئله به‌روشنی بیان و تأکید شد که فعالیت‌ها و اهداف مناطق ویژه اقتصادی در جهت تقویت رشد اقتصادی بوده است و در عمل نیز، پژوهش‌های انجام شده (اعم

از داخلی و خارجی) راجع به این مناطق، در بعد اقتصادی و رشد اقتصادی بوده است؛ مثلاً آرادونا آگارول^۱ (۲۰۰۵)، عملکرد مناطق پردازش صادرات شمال آسیا را در سه کشور هند، سریلانکا و بنگلادش مقایسه کرد. در این پژوهش عواملی چون مکان‌یابی مناطق، زیرساخت‌ها، کیفیت، حکومت، سیاست امتیازات و ویژگی‌های خاص مناطق، تأثیر مستقیمی بر موفقیت این‌گونه مناطق در سه کشور دارد. تجزیه و تحلیل عوامل مذکور در قالب مدل‌های اقتصادسنجی با استفاده از آماره‌های توصیفی ترکیبی سه کشور در دو سطح کشور و منطقه صورت گرفت (اسفندیاری و همکاران، ۱۳۸۷). (Armas & Jallab, 2002) نیز با مقایسه شش کشور جمهوری دومینیکن، چین، موریس، مکزیک، ماکائو و تونس در مورد سهم صادرات مناطق پردازش صادرات این کشورها نشان داده‌اند که این سهم در کشور چین کمتر از ۲۰ درصد در سال ۱۹۹۰ به حدود ۵۷ درصد در سال ۱۹۹۹ رسیده است (التجائی، ۱۳۸۸: ۱۹۷). با این توصیف پژوهش‌های بسیار اندکی وجود دارد که به تأثیرات این مناطق در بعد رفاه و توسعه اجتماعی توجه کردند، گرچه این دسته، اندک و موردی هستند و بیشتر به رفاه اجتماعی پرداختند تا توسعه اجتماعی، مثلاً راجرز^۲، با بررسی اثرات استقرار صنعت در شهرک و مناطق روستایی ایالت آیوا نشان می‌دهد که صنعتی شدن روستایی منافع وسیعی را برای اجتماعات مورد مطالعه دربرداشته، به طوری که سبب افزایش یکپارچگی خانوارها، افزایش درآمد سرانه و توزیع مطالعه درآمدها شده است (راجرز، ۱۹۷۸، به نقل از مطیعی لنگرودی و همکار، ۱۳۸۵). همچنین نایاک^۳ در تحلیل خود در خصوص روندهای توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه تحلیلی شبیه راجرز ارائه می‌دهد و معتقد است: تنها راه حل مشکل فقر و بیکاری مناطق روستایی، ایجاد فرصت‌های شغلی است و برنامه‌ریزی برای استقرار صنعت در مناطق روستایی می‌تواند ضمن ایجاد

1. Aradhna Agg arwal
2. Rogers
3. Nayak

اشتغال، اهداف توسعه روستایی را محقق سازد (نایاک: ۲۱۹ به نقل از مطیعی لنگرودی و همکار، ۱۳۸۵) ارتباط این یافته پژوهشی با مطالعه ما در این است که ایجاد منطقه ویژه اقتصادی سلفچگان با استقرار چنین صنایع و خدماتی در روستای سلفچگان توأم بوده و انتظار می‌رود این نوع اقدامات و فعالیت‌ها عاملی برای تحقق اهداف توسعه همه‌جانبه روستای سلفچگان شود. کاستی موجود در پژوهش‌های خارجی راجع به پیامدهای اجتماعی مناطق ویژه در پژوهش‌های داخلی نیز وجود دارد. پژوهش‌های داخلی مربوط به مناطق ویژه اقتصادی عمدتاً با رویکرد اقتصادی و از نوع ارزیابی هستند. همین موارد هم بیشتر به مناطق آزاد پرداختند و کمتر به مناطق ویژه توجه کردند. اما از آنجایی که این نوع پژوهش‌ها به صورت مشابه و جامع، ادبیات مربوط به مناطق آزاد و مناطق ویژه اقتصادی یا در کل مناطق پردازش صادرات، نظیر تاریخچه، انواع، اهداف و قوانین مربوط به این نوع مناطق را مورد کنکاش قرار داده‌اند و یک بی‌نیازی از تکرار مطالب مزبور، برای این پژوهش ایجاد کردند، بسیار حائز اهمیت‌اند. با این توصیف به پژوهش مطیعی لنگرودی و همکارش (۱۳۸۵) که به گونه‌ای با موضوع این مقاله، ارتباط دارد، اشاره می‌شود. آنان در یک مطالعه موردی در شهرستان بابل به بررسی و ارزیابی اثرات شهرک‌ها و نواحی صنعتی بر توسعه اقتصاد و اجتماعی مناطق روستایی پرداختند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که در دو دسته روستا (روستاهای دارای صنایع و روستاهای بدون صنایع)، اکثر شاخص توسعه، اعم از الگوی مصرف (خوراک، پوشاک و کالای مصرفی)، مسکن، بیمه، رضایت و امنیت شغلی، آموزش، انگیزه‌های ماندگاری در روستا تفاوت معنادار را نشان می‌دهند. در این پژوهش نشان داده شد که استقرار صنعت در مناطق روستایی تأثیری مثبت بر رفاه و توسعه اجتماعی دارد. حاصل اینکه با وجود پژوهش‌های گسترده داخلی و خارجی پیرامون مناطق آزاد تجاری و مناطق ویژه اقتصادی، اما در بعد اقتصادی و رشد اقتصادی خلأ این پژوهش‌ها در بعد اجتماعی و پیامدهای اجتماعی این نوع مناطق بر

محیط‌های اجتماعی همجواریشان به شدت محسوس است. در نتیجه این مقاله و پژوهش، اهمیت بیشتری می‌یابد؛ زیرا بخشی از این خلأ را پر می‌کند.

رویکرد نظری

اصطلاح «توسعه» به صورت فراگیر پس از جنگ جهانی دوم مطرح شد. توسعه در لغت به معنای گسترش دادن است (موسائی، ۱۳۸۸؛ میرهاشمی و دیگران، ۱۳۷۱). این واژه برخلاف اصطلاح رشد، مضمونی فراگیر و چندبعدی دارد و دربرگیرنده پیشرفت و ترقی جامعه در تمام ابعاد زندگی است (ازکیا، ۱۳۷۱؛ میرهاشمی و دیگران، ۱۳۸۷؛ بابایی فرد، ۱۳۸۹)، از این رو، در ادبیات مربوط به توسعه، از توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی، توسعه اجتماعی و توسعه انسانی، سخن به میان می‌آید (بابایی فرد، ۱۳۸۹). در ادامه سه نوع توسعه، یعنی توسعه اقتصادی، انسانی و اجتماعی که ارتباط بیشتری با موضوع این مقاله دارند، اجمالاً توضیح داده می‌شوند.

توسعه اقتصادی: چنان‌که اشاره شد، مفهوم «توسعه» معمولاً و در بیشتر موقع به معنای توسعه اقتصادی به کار می‌رود و منظور از آن، افزایش تولید ناخالص ملی و یا افزایش درآمد سرانه است (کولکارنی، ۱۳۸۷؛ قوام، ۱۳۷۳؛ چاران دوب، ۱۳۷۷) از این رو مکاتب نظری حول محور مفهوم توسعه اقتصادی شکل گرفته‌اند. مکاتب نظری جامعه‌شناختی در این حوزه، به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند: نوسازی، وابستگی و نظام جهانی. سرمنشأ ظهور نظریه وابستگی، نظریه نوسازی است. به عبارتی، نظریه وابستگی در واکنش به نظریه نوسازی، رخ نمایان کرد و نظریه نظام جهانی در مقابل نظریه وابستگی و نقد آن، سربرآورد (سو، ۱۳۸۸). دو دیدگاه کارکردگرایی و تکامل‌گرایی، میراث نظری نظریه نوسازی را تأمین و نئومارکسیست‌ها، میراث فکری نظریه وابستگی را تغذیه کرده‌اند. دو مفهوم همبستگی ارگانیکی و مکانیکی دورکیم و با الهام از او متغیرهای الگویی پارسونز و در نهایت الگوی دوگانه جوامع نوسازی شده و

نوسازی نشده لوی مفاهیمی هستند که به فهم نظریه نوسازی، به‌ویژه نوسازی جدید که به ابعاد اجتماعی و سیاسی نیز توجه کرده است، کمک می‌کنند. همچنین مفاهیم و الگوهای مزبور به ما کمک می‌کنند تا تغییرات اجتماعی را که محصول صنعتی شدن و فعالیت‌های اقتصادی هستند، تبیین و تحلیل کنیم و ابزار تحلیلی برای بیان موقعیت این جوامع در قبل و بعد از صنعتی شدن و توسعه‌یافتگی اقتصادی هستند. در این پژوهش، استفاده از همین مفاهیم و متغیرهای الگویی به بررسی وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهر سلفچگان در دو دوره زمانی قبل و بعد از استقرار صنایع و فعالیت‌های اقتصادی مربوط به منطقه ویژه اقتصادی این منطقه پرداختیم، اما از آنجایی که اهداف پژوهش فراتر از بعد توسعه اقتصادی بود، بیشتر به ابعاد توسعه انسانی و توسعه اجتماعی توجه داشت. بنابراین بر رویکرد توسعه اجتماعی، بیشتر تمرکز شده است.

توسعه انسانی: اندیشه و دیدگاه کنونی بر توسعه انسانی به چیزی متفاوت و متمایز با رشد اقتصادی تأکید دارد (یاگونبر و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۶). در گزارش سازمان ملل درباره «توسعه انسانی»^۱ گفته شده است «توسعه انسانی روندی است که طی آن امکانات افراد بشر افزایش می‌یابد» (بابایی‌فرد، ۱۳۸۹). افزایش امکانات افراد و افزایش توانایی‌های آنان مواردی هستند که می‌توان از آنها به «سرمایه انسانی»^۲ یاد کرد. براساس ادبیات موجود راجع به مناطق ویژه اقتصادی، این مناطق می‌توانند از سه طریق بر سرمایه انسانی تأثیر بگذارند: ۱. تأثیرات شغلی و استخدامی؛ ۲. تأثیر بر شکل‌گیری سرمایه انسانی و ۳. اثرات ارتقای آموزشی و فناوری (Aggarwal, 2007). تأثیرات شغلی و استخدامی خود از سه کانال صورت می‌گیرد: ۱. مناطق ویژه اقتصادی مسقیماً برای کارهای مهارتی و غیرمهارتی به‌کار گرفته می‌شوند؛ ۲. علاوه بر این، این نوع کارهای مهارتی و غیرمهارتی به‌طور غیرمستقیم نیز انجام می‌شوند و ۳. این مناطق برای زنان اهل کار، شغل ایجاد می‌کنند. در کل این اعتقاد وجود دارد که ایجاد شغل،

1. Human development
2. Human capital

تأثیر مناطق ویژه اقتصادی بر رفاه و توسعه ... ۲۰۱

درآمد و افزایش بهره‌وری به‌خودی‌خود در کاهش فقر تأثیر دارد. در برخی از موارد تأثیر اشتغال‌زایی این مناطق در حدی است که حتی در بعضی موارد با کمبود نیروی کار مواجه می‌شویم (Ibid). افزایش نیروی کار و ضرورت آموزش و یادگیری درون شرکت‌های مناطق ویژه (Kusago and Tzannatos, 1998)، به‌روز کردن سیستم آموزشی برای رفع نیازهای مختلف و به‌تبع آن تأسیس نهادهای آموزشی برای ارتقای مهارت کارگران و مساعد بودن فضای مناطق ویژه اقتصادی برای جذب سرمایه مستقیم خارجی از طریق ایجاد زیرساخت‌ها (Hoffman, 1991; Rhee and Balot, 1990; and Johansson, 1994, cited by Aggarwal, 2007)، از جمله روش‌های مختلفی هستند که به شکل‌گیری مثبت سرمایه انسانی کمک می‌کنند. در بسیاری از موارد، توسعه انسانی معادل توسعه اجتماعی به‌کار گرفته شد، به‌گونه‌ای که دسته‌ای از شاخص‌های اجتماعی برای سنجش توسعه انسانی ارائه شد (میرهاشمی و دیگران، ۱۳۸۷). ولی به‌نظر نویسندگان این مقاله، مفهوم توسعه انسانی بیشتر با شاخص‌ها و مفهوم رفاه اجتماعی همخوانی دارد و ضمن پذیرش ارتباط بین این دو، اذعان می‌شود که مفهوم توسعه اجتماعی کلی‌تر از توسعه انسانی و رفاه اجتماعی است و مسائل مربوط به توسعه اجتماعی، مسائلی کلان‌تر و مرتبط با گروه‌های اجتماعی، گروه‌های انسانی یا جامعه هستند (مواردی مثل توسعه در مشارکت اجتماعی، مشارکت سیاسی، اعتماد اجتماعی، امنیت اجتماعی، همبستگی اجتماعی و علاوه‌برآن توسعه در شاخص‌های توسعه انسانی و رفاه اجتماعی). از این‌رو، توسعه اجتماعی دارای نقش مکملی برای رفاه اجتماعی و توسعه انسانی است. درحقیقت ادعای این مقاله این است: همان‌گونه که سرمایه انسانی و رفاه اجتماعی می‌تواند متأثر از مناطق ویژه اقتصادی باشد، این مناطق می‌توانند بر جامعه انسانی و محیط اجتماعی و مقوله‌های مربوط به توسعه اجتماعی نیز اثرگذار باشند.

توسعه اجتماعی: اگرچه مفهوم توسعه عموماً مترادف با پیشرفت اقتصادی

به‌کار می‌رود، اما به همان اندازه ناظر به پیشرفت سیاسی، اجتماعی و تکنولوژیکی نیز

هست؛ در واقع جدا کردن یک حوزه از حوزه دیگر دشوار است (یاگونبر و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۵). توسعه ثبات و دوام خود را از اقتصاد به‌دست آورد ولی مفهوم توسعه اجتماعی جامع‌تر از مفهوم توسعه اقتصادی است (چاران‌دوب، ۱۳۷۷: ۲۸؛ حاجی‌هاشمی، ۱۳۸۲). برخلاف توسعه اقتصادی درباره مفهوم توسعه اجتماعی، توافق نظر چندانی درباره این مفهوم، مصادیق و مؤلفه‌های آن وجود ندارد (موسایی، ۱۳۸۸)؛ از این‌رو، مفهوم توسعه اجتماعی با اغتشاشات زیادی روبه‌رو است. با توجه به اینکه خود مفهوم «توسعه» سازه‌ای است که عمدتاً پس از جنگ جهانی و با عنایت به دگرگونی جوامع رواج یافته، طبعاً از توسعه اجتماعی در متون و منابع متفکران کلاسیک علوم اجتماعی به‌طور اعم و جامعه‌شناسی به‌ویژه، سخنی به میان نیامده است. در سال‌های اخیر آن هم به یکباره توجه به مفهوم توسعه اجتماعی سیری افزایشی داشته و کاربرد آن رایج شده است، بدیهی است تازه بودن مبحث تا حدودی توجیه اغتشاشاتی است که در زمینه توسعه اجتماعی وجود دارد (پیران، ۱۳۸۲: ۱۲۴-۱۲۷). تعریف‌ها و تعبیرهای متفاوتی از توسعه اجتماعی شده است، به‌عنوان نمونه: توسعه اجتماعی در جست‌وجوی بهبود رفاه اجتماعی، به معنای تقویت جامعه مدنی (مثل تعامل گروه‌های اجتماعی و...)، رعایت حقوق اجتماعی، و توانایی جامعه برای حل اختلاف و تضادها، تعریف شده است (موسایی، ۱۳۸۸). توسعه اجتماعی در سال ۱۹۹۵ میلادی به‌صورت مبارزه با فقر مطرح شد (موسایی، ۱۳۸۸) و در سال ۲۰۰۳ به دگرگونی اجتماعی مثبت تلقی شد (پیران، ۱۳۸۲). مؤلفه‌های توسعه اجتماعی حول انسجام و یگانگی می‌چرخد و بی‌توجهی به این دو، طراوت و شادابی حیات اجتماعی را تهدید می‌کند (عبداللهی و دیگران، ۱۳۸۶). همچنین توسعه اجتماعی می‌تواند به معنی گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن یا جامعه صنعتی باشد (موسایی، ۱۳۸۸) و به معنای متمایز شدن جامعه از یک ساخت اجتماعی قدیم به یک ساخت اجتماعی جدید است (کامران، ۱۳۸۷؛ میرهاشمی و دیگران، ۱۳۸۷). با توجه به اینکه «هدف تئوری‌های توسعه نیز تسریع رشد اقتصادی در کشورهای توسعه‌نیافته بود، رشد اقتصادی نوین

جهانی، تضعیف دولت رفاه در کنار فرایندهای فکری و فرهنگی، همچون نقد نظام‌های سیاسی و اقتصادی، الگوهای رایج توسعه اقتصادی فقرزدایی و رفاه اجتماعی را به چالش کشیدند؛ نتیجه این چالش طرح رویکرد توسعه اجتماعی یا توسعه جامعه‌محور است» (قانع‌ی راد، ۱۳۸۴). تشکیل نشست سازمان ملل متحد با موضوع جهانی برای توسعه اجتماعی در سال ۱۹۹۵ در کپنهاک دانمارک، یکی از نقاط عطف در کاربرد رویکرد توسعه اجتماعی بود. رهبران کشورها در این نشست خودشان را به یک بیانیه و برنامه عملی که طیف وسیعی از سنج‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی لازم برای ریشه‌کنی فقر را پوشش می‌داد، متعهد کردند. برخی از تعهدات این همایش عبارت بود از: تعهد ایجاد یک محیط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی برای قادر ساختن مردم به کسب توسعه اجتماعی، تعهد به گسترش احترام به کرامت و شأن انسانی و برابری و عدالت بین زنان و مردان، به رسمیت شناختن و تقویت مشارکت و نقش رهبری زنان در توسعه و زندگی سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تعهد به اهداف دسترسی عمومی و منصفانه به آموزش، بالاترین استاندارد سلامتی جسمانی و روانی، دسترسی عمومی بهداشت اولیه، دفع نابرابری‌های مربوط به شرایط اجتماعی از قبیل نژاد، ملیت، جنسیت، سن و معلولیت، احترام‌گذاری، تعهد به تسریع اقتصادی، اجتماعی و توسعه منابع انسانی در کشورهای توسعه‌نیافته و تعهد به ادغام اهداف توسعه اجتماعی در برنامه‌های تعدیل ساختاری (پیران، ۱۳۸۲: ۱۲۴-۱۲۷؛ قانع‌ی راد، ۱۳۸۴). تعهدات سران کشورها در نشست جهانی کپنهاک بیانگر این است که «رویکرد توسعه اجتماعی، مجموعه‌ای از معیارهای انسانی را برای ارزیابی پیامدها و دستاوردهای توسعه مورد استفاد قرار می‌دهد» (قانع‌ی راد، ۱۳۸۴). از نظر «رز» (۱۹۹۸)، توسعه اجتماعی فرایند ایجاد دگرگونی‌های بنیادی در ساختارها و روابط اجتماعی با انگیزه تحقق اهداف ادغام اجتماعی، انسجام اجتماعی و پاسخگو کردن کارگزاران، امکانات و سازمان‌های صاحب قدرت است. این مستلزم آن است که به هنگام طراحی و راهبردهای توسعه، اطلاعات لازم در مورد پویاشناسی قدرت، دستگاه فرهنگی و نظام

۲۰۴ فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۹۵

ارزشی حاکم بر جامعه و همچنین ساختارهای رسمی و غیررسمی در اختیار داشته باشیم (معینی، ۱۹۹۸: ۱۱۱). بنابراین، رویکر توسعه اجتماعی در مقایسه با رویکرد رفاه اجتماعی و توسعه انسانی به شیوه‌ای متفاوت با مردم برخورد می‌کند. در جدول ۱ این تفاوت‌ها مقایسه شده‌اند.

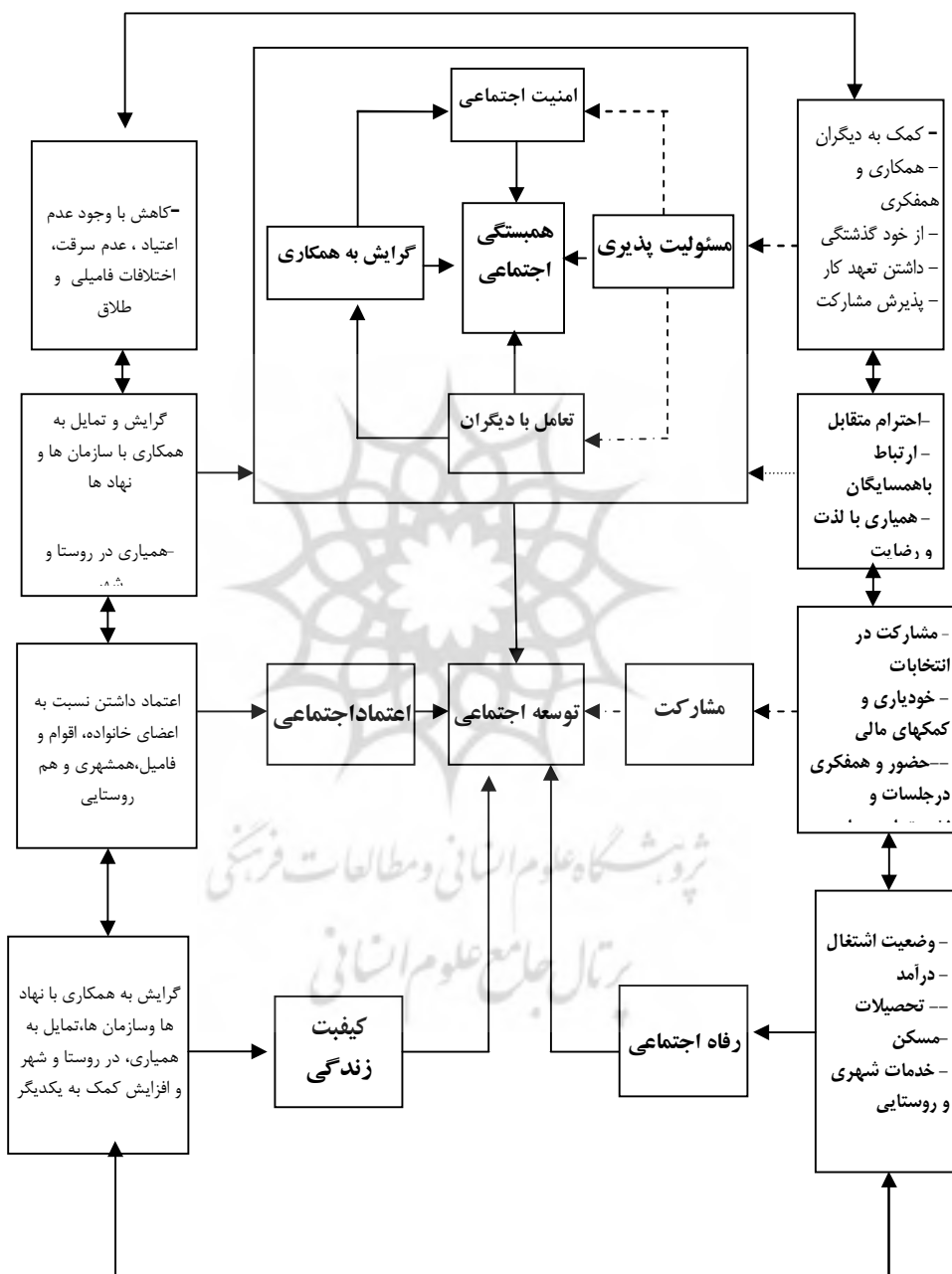
جدول ۱- مقایسه رویکرد رایج رفاه اجتماعی با رویکرد در توسعه اجتماعی

شاخص‌ها و روابط	رفاه اجتماعی	توسعه اجتماعی
شاخص‌ها	آموزش، بهداشت، اشتغال، مسکن، تأمین اجتماعی و امید به زندگی بالا	سرمایه اجتماعی، همبستگی اجتماعی، توسعه حوزه عمومی عدالت و برابری، فقدان طرد اجتماعی، انسجام محلی، صلح و آرامش، امید به زندگی، رسمیت یافتن تفاوت‌ها
تمایزپذیری اهداف	نیازهای فردی و مادی	نیازهای جمعی و معنوی
اهداف	کمک‌های درآمدی	یاری و حمایت از مردم برای افزایش مهارت‌های‌شان
تمرکز	فرد	فرد در درون خانواده و اجتماع
روش	متمرکز و غیرشخصی	مشارکت محلی و یاری متناسب با فرد
مقاصد	حمایت مالی برای کاهش فقر	کاهش فقر در ضمن توسعه مهارت‌های مشارکت کار پایدار برای مردم
سنجه‌های موفقیت	ارائه حمایت مالی به‌طور سریع و کارآمد	حمایت برای مشارکت شغلی
استعاره	ماهی دادن	آموزش ماهیگیری
عواملان اجرا	دولت	دولت با مشارکت بخش سوم
مسئله اصلی	فقدان درآمد و شغل	فقدان مهارت توانایی و اعتماد به نفس

منبع: قانعی راد، ۱۳۸۴: ۱۹.

همان‌گونه که در گذشته اشاره کرده‌ایم توسعه اجتماعی مکمل رفاه اجتماعی یا حتی رویکرد جایگزین آن است، نیازهای اولیه در توسعه اجتماعی محصول همان رویکرد توسعه انسانی و رفاه اجتماعی است که وارد بحث توسعه اجتماعی نیز شده است، رویکرد توسعه اجتماعی علاوه بر توجه به نیازهای اولیه به فاکتورهای مهم اجتماعی دیگری نظیر سرمایه اجتماعی، همبستگی اجتماعی، انسجام اجتماعی و... توجه می‌کند. پوتنام (۱۹۹۳) وضعیت یک جامعه به هنجار و یا درجه‌ای از انحراف اجتماعی کمتر را با مفهوم سرمایه اجتماعی بیان می‌کند و معتقد است که درگیری مدنی و به هم پیوسته اجتماعی، شرایط عملی لازم برای مدارس بهتر، خیابان‌های امن‌تر و حتی زندگی سالم‌تر و طولانی‌تر را فراهم می‌کند (قانع‌ی راد، ۱۳۸۴: ۱۹). براساس رویکرد توسعه اجتماعی که مکمل و دربرگیرنده رویکرد رفاه اجتماعی نیز هست و با توجه به مؤلفه‌ها و شاخص‌های مطرح شده برای این دو رویکرد، مدل پژوهش به شرح صفحه بعد ارائه شده است.

نمودار ۱- مدل پژوهش



فرضیه‌ها

۱. وجود منطقه ویژه سلفچگان بر میزان همبستگی مردم شهر سلفچگان تأثیر گذاشته است.
۲. وجود منطقه ویژه سلفچگان بر میزان اعتماد اجتماعی مردم شهر سلفچگان تأثیر گذاشته است.
۳. وجود منطقه ویژه سلفچگان باعث بهبود وضعیت رفاه اجتماعی مردم شهر سلفچگان شده است.
۴. وجود منطقه ویژه سلفچگان باعث بهبود کیفیت زندگی مردم شهر سلفچگان شده است.

روش پژوهش

قبل از بیان جزئیات روشی، گوشزد و یادآوری این نکته ضروری به نظر می‌رسد که از زمان استقرار منطقه ویژه اقتصادی سلفچگان و شهر شدن این روستا تا هنگام این پژوهش، هنوز کمتر از یک دهه نگذشته بود؛ از این رو پاسخگویان نسبت به وضعیت هر دو دوره زمانی قبل و بعد از شهر شدن روستای سلفچگان، اطلاعات کافی و جامع داشتند و نیاز به مطالعه در دو مرحله قبل و بعد به طور مجزا وجود نداشت، به فرض وجود نیاز به چنین روشی، باز هم برای جمع‌آوری داده‌ها باید به همین افراد و پاسخگویان (اعم از مدیران و برنامه‌ریزان شهری و ساکنان بومی) مراجعه می‌شد. از این رو، گرچه نظرات پاسخگویان راجع به وضعیت رفاهی و اجتماعی روستای سلفچگان در قبل و بعد از شهر شدن آن پرسیده و مقایسه شدند، اما عملاً این مطالعه مبتنی بر روش تحقیق توصیفی - پیمایشی است که به صورت میدانی انجام شده بود و جامعه آماری آن عبارت بود از کلیه خانوارهای ساکن و مقیم در شهر جدید تأسیس سلفچگان، براساس گزارش مرکز آمار ایران و گزارشات موجود در بخش‌داری

شهر سلفچگان، جمعیت این شهر برحسب خانوار، ۲۱۱ خانوار است. حجم نمونه با توجه به فرمول‌های آماری محاسبه و با احتساب ضریب تصحیح یتس، ۸۶ خانوار تعیین شد. با توجه به بافت سنتی و روستایی بودن شهر جدید تأسیس سلفچگان که بدون واریانس و پراگندگی است، از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شد. پرسش‌نامه و مصاحبه دو ابزار اصلی پژوهش بودند که ضمن حفظ و لحاظ اعتبار، براساس آزمون آلفای کرونباخ، پایایی پرسش‌نامه، بیش از ۸۵ درصد بوده است.

یافته‌های پژوهش

فرضیه اول: فرضیه اول به دنبال بررسی تأثیر منطقه ویژه اقتصادی بر میزان همبستگی شهر سلفچگان بود. همان‌گونه که در بخش شاخص‌ها مطرح شد برای سنجش میزان همبستگی مردم، از سه متغیر امنیت اجتماعی، تعامل اجتماعی و روحیه همکاری و مشارکت استفاده شد برای سنجش امنیت اجتماعی از شاخص‌های اعتیاد، سرقت، اختلافات فامیلی، طلاق و وضعیت حجاب استفاده شد و شرایط فعلی این شاخص‌ها در مقایسه با گذشته (قبل از ایجاد منطقه ویژه اقتصادی) مورد بررسی قرار گرفتند، به همین شکل، تعامل اجتماعی و روحیه همکاری نیز مورد سنجش قرار گرفت. گنجاندن موضوع حجاب به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های امنیت اجتماعی از اینجا سرچشمه گرفت که در مطالعه و مصاحبه‌های مقدماتی با مردم و مسئولان اداری، وقتی سخن از وضعیت امنیت اجتماعی به میان می‌آمد عمده مصاحبه‌شوندگان، افزایش بی‌حجابی و طلاق را به‌عنوان مصادیقی از ناامنی اجتماعی تلقی می‌کردند، گرچه به لحاظ کمی این دو مورد بسیار محدود بود، اما از نظر بومیان منطقه، بسیار بااهمیت و حساس برانگیز بود. از این رو گرچه در کشور یا شهر دیگری ممکن است حجاب یا بی‌حجابی جزء مقوله امنیت اجتماعی نباشد، اما با نگاه بومیان منطقه مورد نظر جزء مؤلفه‌های امنیت اجتماعی

محسوب شد. یافته‌ها نشان داد که تعداد کمی (۲۸ درصد) قائل بودند وضعیت اعتیاد نسبت به گذشته کمتر شده است، ولی بقیه پاسخگویان (۶۴ درصد) اظهار کردند چنین موضوعی افزایش یافته یا تغییر نکرده است (از این جهت که اعتیاد در گذشته نیز زیاد بود). یافته‌ها بیانگر این بود که: در کل وضعیت طلاق در سلفچگان از قبل وجود نداشته و وضعیت فعلی در مقایسه با گذشته تغییر کرده است، حدود ۳۲ درصد اظهار کردند طلاق نسبت به گذشته بیشتر یا خیلی بیشتر شده است و تنها ۱۶ درصد، ابراز کردند کمتر شده است، گرچه ۴۹ درصد دیگر اظهار کردند وضعیت تغییر نکرده است ولی این به این معنا که در گذشته وجود نداشته و الآن هم وجود ندارد، گرچه موارد طلاق بسیار محدود و منحصر به چند مورد بود، اما یک حساسیت ۳۲ درصدی را به خودش اختصاص داد، این حساسیت ناشی از مذموم بودن طلاق در گذشته و ظهور نشانه‌های آن در زمان حال است. یافته‌ها نشان داد وضعیت حجاب در بین بومیان سلفچگان تغییر نکرده و مثل گذشته مقید به حجاب هستند و موارد معدودی که اظهار نظر نکردند بی‌حجابی بیشتر شده، شامل موارد غیربومی مثل مهاجران جدید و کارگران منطقه ویژه که در سلفچگان اقامت گزیدند و همچنین شامل مواردی مثل حضور دانشجویان غیربومی در دانشگاه پیام نور است. بنابراین گرچه بومیان روستای سلفچگان با وضعیت بدحجابی و موارد مشابه، روبه‌رو نیستند اما به‌صورت غیرمستقیم و تحت تأثیر شرایط شهرنشینی جدید و منطقه ویژه اقتصادی این موضوع به‌صورت کم‌رنگ جوانه زده است. جدول ۲ یافته‌های مربوط به شاخص‌های تعامل اجتماعی و روحیه همکاری و مشارکت مردم سلفچگان را در مقایسه با قبل از اینکه منطقه ویژه اقتصادی در این منطقه ایجاد شود، نشان می‌دهد.

جدول ۲- میزان همبستگی مردم سلفچگان در مقایسه با گذشته و قبل از ایجاد منطقه ویژه اقتصادی

متغیرها	شاخص‌ها	نتایج (نسبت به گذشته)	نتیجه کلی (نسبت به گذشته)	سطح معناداری براساس (آزمون تی تک نمونه)
امنیت اجتماعی	اعتیاد	افزایش یافته	در حد متوسط است (چندان تغییر نکرده است)	به احتمال بیش از ۹۹ درصد معنادار است
	سرقت	افزایش یافته		
	اختلافات فامیلی	کمی کاهش یافته		
	طلاق	کمی افزایش یافته است		
	حجاب	کمی کمتر شده است (در بین غریبه‌ها)		
تعامل اجتماعی	گذشت مردم نسبت به همدیگر	کمتر شده	کمتر شده	به احتمال بیش از ۹۹ درصد معنادار است
	احترام نسبت به همدیگر	بیشتر شده		
	روابط همسایگی	کمتر شده		
روحیه همکاری	کمک کردن به همدیگر	کمتر شده	کمتر شده	معنادار نیست
	پذیرفتن نظرات همدیگر	بیشتر شده		
	همکاری برای رفع مشکلات همدیگر	کمتر شده		

با توجه به نمره کلی روحیه همکاری و نمره به‌دست‌آمده سطح آزمون معناداری به‌دست آمده که مساوی با ۵۶ درصد است، می‌توان گفت این ادعا که (روحیه همکاری) در بین مردم سلفچگان نسبت به گذشته کمی کاهش یافته و کمتر شده است، معنادار نیست، اما یافته‌های مزبور در سطح توصیف‌شده با نظریه ارونسون (۲۰۰۲) که معتقد است: نوع دوستی یا کمک‌رسانی داوطلبانه و آگاهانه نسبت به دیگران در جوامع معاصر در حال کاهش است؛ به‌ویژه در محیط شهری، یکی از مسائل مهم اجتماعی به‌شمار می‌آید (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۴)، همخوانی دارد. در نهایت نمره کلی ۳/۲۲، بیانگر این بود که همبستگی اجتماعی در شهر سلفچگان بعد از ایجاد منطقه ویژه اقتصادی در این منطقه، در مقایسه با گذشته تغییر کرده و این تغییر در جهت کاهش همبستگی است. با توجه به سطح معناداری آماری محاسبه شد که مساوی با ۱/۰۰۹ بود. نتیجه گرفتیم که به احتمال ۹۹ درصد، نتیجه فوق‌الذکر معنادار است، بنابراین فرضیه شماره ۱ تأیید شده است.

فرضیه دوم: بررسی تأثیر وجود منطقه ویژه اقتصادی سلفچگان بر اعتماد اجتماعی مردم شهر سلفچگان، هدف فرضیه دوم بود. برای سنجش این فرضیه، از پنج شاخص مثل میزان اعتماد افراد خانواده نسبت به همدیگر، میزان اعتماد افراد فامیل و قوم خویشان نسبت به همدیگر، میزان اعتماد آشنایان و دوستان نسبت به همدیگر، میزان اعتماد همشهری‌ها و هم‌روستایی‌ها نسبت به همدیگر و میزان اعتماد مردم نسبت به مأموران و ادارات دولتی، استفاده شده بود و از پاسخگویان خواسته شده این موارد را در مقایسه با گذشته مورد بررسی قرار دهند. یافته‌ها نشان داد: حدود ۴۱ درصد پاسخگویان قائل بودند میزان اعتماد افراد خانواده نسبت به همدیگر در مقایسه با گذشته افزایش یافته است. عمده آنان که اظهار کردند وضعیت اعتماد درون خانواده افزایش یافته، ناشی از تحصیلات فرزندان است. به‌عبارت دیگر افزایش تحصیلات فرزندان و کم‌سوادی پدران و مادران باعث شده است که فرزندان از اهمیت بیشتری برخوردار شوند و به آنها به دیده منبع اطلاعاتی و آگاهی نگریسته شود و اعتماد

بیشتری نسبت به گذشته به آنان شود و احتمالاً فرزندان نیز در قبال این اعتماد، احساس مسئولیت بیشتری داشته باشند. ولی اعتماد برون‌خانواده در خصوص هر سه مورد اعتماد فامیل، اعتماد آشنایان و دوستان و اعتماد همشهری و همروستایی نسبت به همدیگر، همراه با کاهش بوده است. به گونه ای که ۴۵ درصد پاسخگویان، میزان اعتماد افراد فامیل را در جهت کاهش، ارزیابی کردند و ۴۳ درصد، اعتماد آشنایان و دوستان را و ۳۷ درصد اعتماد همشهری و همروستایی را نسبت به همدیگر در مقایسه با گذشته در جهت کاهش، ارزیابی کردند، اما اعتماد نسبت به مأموران و ادارات دولتی از وضعیت خوبی برخوردار است. حدود ۵۸ درصد این وضعیت را در جهت افزایش و مثبت ارزیابی کردند. یکی از علل اعتماد به ادارات دولتی می‌تواند دریافت خدمات شهری و امکانات شهری باشد که تا قبل از شهر شدن این روستا وجود نداشت.

جدول ۳- میزان اعتماد اجتماعی در بین مردم سلفچگان در مقایسه با قبل از ایجاد

منطقه ویژه اقتصادی

شاخص‌ها	نتایج (نسبت به گذشته)	نتیجه کلی (نسبت به گذشته)	سطح معناداری براساس آزمون تی تک نمونه
اعتماد اعضای خانواده نسبت به همدیگر	افزایش یافته است	کاهش جزئی اعتماد اجتماعی	با توجه به سطح معناداری که مساوی با ۰/۰۰۰ بود نتیجه گرفته شد که به احتمال بیش از ۹۹ درصد نتیجه موردنظر معنادار است در نتیجه فرضیه شماره ۲ نیز تأیید شده
اعتماد فامیل به فامیل	کاهش یافته است		
اعتماد دوستان نسبت به هم	کاهش یافته است		
اعتماد همروستایی و همشهری نسبت به همدیگر	کاهش یافته است		
اعتماد به ادارات دولتی و نهادهای دولتی	افزایش یافته است		

پس از ترکیب و ادغام متغیرهای جدول ۳ و ایجاد یک متغیر کلی و نهائی با عنوان «اعتماد اجتماعی» و محاسبه نمره کل یا میانگین کل نمرات که نتیجه محاسبه شده آن مساوی با ۳/۱۲ بوده است، بیانگر این بود که اعتماد مردم سلفچگان بعد از ایجاد منطقه ویژه اقتصادی در منطقه و در مقایسه با گذشته، تغییر کرده و این تغییر در جهت کاهش جزئی اعتماد اجتماعی بوده است. با توجه به سطح معناداری که از طریق آزمون آماری محاسبه و مساوی با ۰/۰۰۰ بود، این نتیجه حاصل شد که نتیجه مزبور به احتمال بیش از ۹۹ درصد معنادار است. بنابراین فرضیه دوم نیز تأیید شده است.

فرضیه سوم: این فرضیه، تأثیر منطقه ویژه اقتصادی سلفچگان بر بهبود رفاه اجتماعی مردم سلفچگان را مورد بررسی قرار داد. به منظور سنجش رفاه مردم، رفاه را در دو بعد اجتماعی و خدمات رفاهی مورد بررسی قرار دادیم. برای سنجش رفاه اجتماعی از شاخص‌هایی نظیر درآمد خانوار، ایجاد اشتغال، تحصیلات و بهداشت استفاده کردیم. در بعد خدمات رفاهی، به خدماتی که ارگانهای دولتی و غیردولتی ارائه می‌دهند، توجه شده است. شاخص بهداشت، شاخصی است که در هر دو بعد قابل سنجش است. فرهنگ بهداشت و ارتقای آن در بعد رفاه اجتماعی و سطح خدمات ارائه شده، در بعد خدمات رفاهی مورد نظر بود. اما با توجه به سطح پائین تحصیلات پاسخگویان (به علت بافت روستایی)، در سنجش رفاه اجتماعی، معمولاً برداشتها و پاسخها مربوط به خدمات بهداشتی بود. بنابراین، این شاخص در بعد رفاه اجتماعی حذف و در بعد خدمات رفاهی مورد توجه قرار گرفت. یافته‌ها حاکی از این بود که: حدود ۷۷ درصد پاسخگویان بیان کردند که وجود منطقه ویژه اقتصادی باعث ایجاد اشتغال برای جوانان و ساکنان محل شده است. تنها ۱۳ درصد قائل بودند شرایط آنها در این خصوص تغییر نکرده، حدود ۱۱ درصد دیگر معتقد بودند که وجود منطقه ویژه باعث شده بیکاری افزایش یابد. شایان ذکر است عمده آن افرادی که قائل به افزایش بیکاری بودند افرادی بودند که شغل سنتی و بومی خود را مثل دامداری و

کشاورزی از دست داده بودند، یا این نوع فعالیت‌ها نسبت به گذشته کم‌رنگ تر و کمتر شده بود. همچنین یافته‌های مصاحبه‌ای و گفت‌وگوهای جانبی دیگر، حاکی از این بود که وجود منطقه ویژه اقتصادی در این منطقه، باعث تغییر نوع شغل‌ها شده است. به این معنا که شغل‌های سنتی (مثل دامداری، کشاورزی و باغداری) از بین رفته یا کمتر شده و شغل‌های مدرن و صنعتی جای آنها را گرفت. یافته‌های جدول نشان داد در دهه اخیر، علاقه و اهمیت دادن دانش‌آموزان و کودکان و نوجوانان و جوانان به تحصیل و ادامه تحصیل بیشتر شده است. همچنین یافته‌ها حاکی از این بود که ۶۵ درصد پاسخگویان معتقد بودند: وجود منطقه ویژه اقتصادی باعث افزایش درآمد خانواده‌ها شده است و تنها ۷ درصد این موضوع را نفی کردند؛ بقیه آنها قائل بودند وضعیت درآمدی خانواده آنها تغییر نکرده است. در بخش خدمات رفاهی، میزان رضایت مردم بیشتر به خدمات اداره گاز برمی‌گشت (حدود ۹۶ درصد). ۴ درصد دیگر محدود خانواده‌هایی بودند که به علت مشکل پروانه ساخت نتوانستند به شبکه گاز وصل شوند. به این ترتیب یکی از خدماتی که مردم از ارائه آن بسیار خوشحال و راضی بودند، بحث گاز شهری بود. آنان معتقد بودند که اگر وجود منطقه ویژه اقتصادی نبود یا اصلاً شبکه گاز شهری فعال نمی‌شد یا حداقل در حال حاضر چنین اقدامی صورت نمی‌گرفت، همین وضعیت در خصوص خدمات شهرداری و خدمات شهری مثل تمیز نگه داشتن شهر و محله‌ها نیز وجود دارد: زیرا منطقه ویژه اقتصادی باعث شهر شدن روستای سلفچگان شده و به تبع آن خدمات شهری و شهرداری نیز فعال شده است. گرچه عمده نارضایتی مردم در بخش خدمات به وضعیت بهداشت برمی‌گشت ولی باید توجه داشت وجود درمانگاه (جدای از خانه بهداشت) باز هم متأثر از وجود منطقه ویژه اقتصادی است، چون در غیر این صورت به علت بافت روستایی و مجاورت آن با استان قم شاید مثل سایر روستاهای ایران به خانه بهداشت اکتفا می‌شد و نارضایتی مردم برخاسته از مطلوب‌طلبی آنهاست.

جدول ۴- میزان برخورداری مردم سلفچگان از رفاه اجتماعی و خدمات رفاهی در مقایسه با قبل از ایجاد منطقه ویژه اقتصادی

متغیر	شاخص‌ها	نتایج (نسبت به گذشته)	نتیجه کلی (نسبت به گذشته)
رفاه اجتماعی	ایجاد شغل	افزایش یافته است	افزایش یافته است
	درآمد	افزایش یافته است	
	علاقه به تحصیل فرزندان	افزایش یافته است	
رفاه	به ترتیب: ادارات گاز، برق، مخابرات و آموزش و پرورش	خوب ارزیابی شدند	خوب (کمی بیش از حد متوسط)
	شهرداری و اداره پست	متوسط ارزیابی شدند	
	درمانگاه و بهداشت	بد ارزیابی شدند (هم حال و هم گذشته)	
خدمات رفاهی (خدمات ارائه شده ادارات و سازمان‌ها)			با توجه به سطح معناداری که مساوی با ۰/۰۰۰ بود، نتیجه گرفته شد که به احتمال بیش از ۹۹ درصد نتیجه مورد نظر معنادار است
سطح معناداری براساس آزمون تی تک نمونه			با توجه به سطح معناداری که مساوی با ۰/۰۰۰ بود نتیجه گرفته شد که به احتمال بیش از ۹۹ درصد نتیجه مورد نظر معنادار است

با ترکیب متغیرهای ایجاد شغل، درآمد و تحصیلات یک متغیر جدیدی با عنوان رفاه اجتماعی تعریف کردیم. نمره کلی به دست آمده در این متغیر کلی، حاکی از این است که وجود منطقه ویژه اقتصادی باعث بهبود رفاه اجتماعی مردم سلفچگان شده است. این نتیجه با توجه به سطح معناداری به دست آمده که مساوی با ۰/۰۰۰ بوده

است، به احتمال بیش از ۹۹ درصد معنادار بوده است. بنابراین فرضیه سوم نیز تأیید شده است. اگرچه سطح خدمات رفاهی به‌طور کلی در حد خوب و نزدیک به متوسط ارزیابی شده است، اما از آنجایی که برخی از همین خدمات در گذشته نبوده و اکنون بر اثر ایجاد منطقه ویژه اقتصادی و به‌تبع آن شهر شدن این منطقه، به‌وجود آمده است و از طرفی برخی از موارد و خدمات در حال احداث است که به‌زودی به بهره‌برداری می‌رسند و اگر به بهره‌برداری می‌رسیدند، نمره ارزیابی به‌طور قابل توجهی افزایش می‌یافت. می‌توان گفت: خدمات رفاهی مثل رفاه اجتماعی بهبود یافته است. در نهایت برای سنجش کل رفاه (اعم از رفاه اجتماعی و خدمات رفاهی) یک متغیر به‌نام متغیر رفاه کلی تعریف کردیم و نتایج مربوط حاکی از این بود که در مجموع وضعیت رفاهی مردم (اعم از رفاه اجتماعی و خدمات رفاهی) در حد خوب است و این نتیجه براساس سطح معناداری آزمون آماری که مساوی با ۰/۰۰۰ بوده است به احتمال بیش از ۹۹ درصد معنادار است. البته محاسبه میزان خدمات رفاهی و رفاه کلی، جزء فرضیات پژوهش نبوده و به‌عنوان نتایج جانبی و تکمیلی به حساب می‌آیند.

فرضیه شماره ۴: در فرضیه شماره ۴، بررسی تأثیر منطقه ویژه اقتصادی سلفچگان بر کیفیت زندگی مردم شهر سلفچگان، مورد توجه قرار گرفت. برای سنجش کیفیت زندگی هم به بعد ذهنی و هم به بعد عینی آن توجه شد. در بعد ذهنی معمولاً، نظرات و ذهنیات پاسخگویان نسبت به میزان رضایت‌بخشی و کیفیت زندگی آنان بررسی می‌شود. با این توصیف به‌منظور جامع‌تر کردن این موضوع و متناسب نمودن آن با موضوع پژوهش، نظرات و ذهنیات پاسخگویان را نسبت به میزان مناسب بودن شهر سلفچگان برای زندگی، میزان مناسب بودن رضایت‌بخشی وضعیت زندگی مردم سلفچگان در کل و میزان مناسب بودن و رضایت‌بخشی وضعیت زندگی پاسخگویان از نظر خودشان بررسی شد. در بعد عینی، میزان دسترسی‌ها و کیفیت خدمات مورد سنجش قرار گرفت، مثل میزان دسترسی به اینترنت، کتابخانه، سالن ورزشی، پارک و مکان‌های تفریحی، درمانگاه، بیمارستان، فروشگاه‌ها، مغازه‌ها، خدمات حمل‌ونقل، مراکز

آموزشی و میزان توجه و اهمیت شهرداری به تمیز نگه داشتن شهر و محلات و سایر موارد. در بعد ذهنی کیفیت زندگی، یافته‌های پژوهش، نشان داد تعداد پاسخگویانی که شهر سلفچگان را برای زندگی مناسب می‌دانستند به مراتب بیشتر از افرادی بودند که این موضوع را مناسب نمی‌دانستند. بیش از ۵۰ درصد این موضوع را در حد زیاد یا خیلی زیاد ارزیابی کردند. البته بخشی از این گرایش و ارزیابی به حس و تعلق مکانی، برمی‌گردد (اظهارات جانبی پاسخگویان حاکی از این موضوع بود). داده‌های مزبور نشان داد که در کل وضعیت و سطح زندگی مردم سلفچگان، رضایت‌بخش و مناسب است. این ارزیابی عمدتاً در مقایسه با سایر روستاهای اطراف صورت می‌گرفت. البته در این میان به آلودگی منطقه اشاره می‌شد. برخی این آلودگی را متوجه شهرک صنعتی سلفچگان و برخی آن را ناشی از منطقه ویژه اقتصادی می‌دانستند. پاسخگویان نه تنها وضعیت زندگی در سلفچگان و مردم سلفچگان را رضایت‌بخش می‌دانستند بلکه سطح زندگی خود را نیز مناسب یا تاحدودی مناسب می‌دانستند. در بعد عینی کیفیت زندگی، یافته‌های پژوهش بیانگر این بود که مواردی مثل دسترسی به فروشگاه‌ها، مغازه‌ها و سوپرمارکت‌ها و میزان توجه و اهمیت شهرداری به تمیز نگه داشتن شهر و محلات و میزان تمیز بودن محله و شهر نسبتاً در شرایط خوبی قرار دارند و استفاده از تلویزیون بهترین موقعیت را داشت. گرچه به علت احتمال حساسیت، سئوالی با عنوان میزان استفاده از ماهواره، مورد پرسش واقع نشده. اما پاسخگویان به صورت جانبی اظهار کردند کم‌وبیش ماهواره وجود دارد و از آن استفاده می‌کنند. اکثر سوادداران اظهار کردند که خانواده‌هایی که فرزندان تحصیل‌کرده دارند، از اینترنت استفاده می‌کنند ولی مرکز مشخصی و کافی‌نتی بدین منظور وجود ندارد و عمده استفاده در منزل و از طریق خط تلفن خانگی است. میزان دسترسی به پارک، محل تفریحی، سالن مطالعه و کتابخانه در پایین‌ترین سطح ارزیابی شده بودند، همچنین وضعیت حمل‌ونقل و دسترسی به درمانگاه، بیمارستان و سالن ورزشی در سطح پایین ارزیابی شدند. جزئیات این موارد در متن اصلی پژوهش، مطرح و کلیات آن در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵- وضعیت کیفیت زندگی (در دو بعد ذهنی و کیفی) مردم سلفچگان و مقایسه آن با قبل از ایجاد منطقه ویژه اقتصادی

ابعاد	شاخص‌ها	نتایج	نتیجه کلی	سطح معناداری (آزمون فریدمن)
ذهنی	میزان رضایت‌بخشی وضعیت زندگی مردم در کل	تقریباً زیاد	بیشتر از حد متوسط و نزدیک به حد زیاد	به احتمال بیش از ۹۷ درصد معنادار است
	میزان رضایت پاسخگویان از زندگی خود	زیاد		
	میزان مناسب بودن سلفچگان برای زندگی	متوسط		
عینی	میزان دسترسی به پارک، محل تفریح و سالن کتابخانه	کم	کمتر از حد متوسط	به احتمال بیش از ۹۷ درصد معنادار است
	میزان دسترسی به ایستگاه تاکسی، مینی‌بوس و اتوبوس	کم		
	میزان دسترسی به درمانگاه	خیلی کم		

با ترکیب بعد ذهنی کیفیت زندگی و بعد عینی کیفیت زندگی یک متغیر کلی با عنوان «کیفیت زندگی» ارائه و نتیجه، حاکی از آن نشان می‌دهد: در کل کیفیت زندگی در شهر سلفچگان کمتر از حد متوسط است. با توجه به سطح معناداری آزمون مساوی با ۰/۰۰۰، به احتمال بیش از ۹۹ درصد معنادار است. اما این وضعیت فعلی در مقایسه با وضعیت گذشته بهبود یافته است. زیرا همانطور در کیفیت ذهنی زندگی نشان دادیم، حس مردم از وضعیت زندگی رضایت‌بخش است و همچنین خیلی از کیفیت‌هایی که مورد سنجش قرار گرفتند، ممکن است در حد متوسط ارزیابی شده باشند؛ اما همین موارد در گذشته وجود نداشتند. مثلاً وجود درمانگاه، پاکیزه بودن شهر، دسترسی به

سالن ورزشی، دسترسی به برخی از فروشگاه‌ها از جمله فروشگاه‌های مرکزی در گذشته وجود نداشته ولی با تأسیس شهرداری و شهر شدن روستا به تبع از ایجاد منطقه ویژه اقتصادی، مورد توجه قرار گرفته و ارائه شدند. بنابراین در مقایسه با گذشته در کیفیت زندگی بهبود حاصل شده است. مخصوصاً در آینده نزدیک با بهره‌برداری از چند پروژه شهری مثل پارک، سالن کتابخانه و تکمیل خیابان‌کشی‌ها و آسفالت کردن آنها که هم‌اکنون مشغول آن هستند، نمره کیفیت زندگی افزایش خواهد یافت. نکته ظریفی که وجود دارد این است که ملاک بیشتر ارزیابی در بعد عینی کیفیت زندگی به توقع و انتظارات ساکنان شهر سلفچگان به خدمات مورد نیاز یک شهر است نه مقایسه با گذشته.

نتیجه‌گیری

هم از نظر افکار عمومی بومیان و هم از نظر کارشناسان و مسئولان محلی، منطقه ویژه اقتصادی سلفچگان بر توسعه منطقه از جمله روستای سلفچگان تأثیر بسزایی داشت. شهر شدن روستای مزبور و دریافت خدمات رفاهی بیشتر و مناسب، یکی از تأثیرات مهم منطقه ویژه اقتصادی بود. ایجاد اشتغال و به تبع آن افزایش درآمد و در نهایت افزایش کیفیت زندگی مردم و رفاه اجتماعی آنان از دیگر تأثیرات منطقه اقتصادی ویژه بر توسعه محل مورد نظر بوده است. در اذهان عمومی تغییرات حاصله و پیشرفت‌های جامعه در کیفیت زندگی، منبعت از تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم منطقه ویژه اقتصادی بوده است، به خصوص اینکه یکی از این تأثیرات، حاصلش تبدیل شدن روستای سلفچگان به شهر بوده و باعث شده است امکانات و خدمات شهری و رفاهی بیشتری برای آنان به همراه داشته باشد. نتایج به دست آمده در بعد عینی کیفیت زندگی این موضوع را نیز تأیید می‌کند. خلاصه اینکه تأثیرات منطقه ویژه سلفچگان بر روستای سلفچگان در دو جهت مثبت و منفی بوده است و هر دو جهت از پیامد صنعتی شدن

یک منطقه یا استقرار صنایع در یک منطقه، به‌ویژه منطقه روستایی محسوب می‌شود. تأثیرات منطقه ویژه اقتصادی بر بهبود و افزایش رفاه اجتماعی و همچنین بهبود و افزایش کیفیت زندگی مردم سلفچگان، بعد مثبت آن تلقی می‌شود و تأثیرات آن در کاهش اعتماد اجتماعی و همبستگی اجتماعی مردم سلفچگان که البته این تأثیر ناچیز و غیربرجسته است، بعد منفی این تأثیر محسوب می‌شود. غیربرجسته بودن پیامدهای منفی در بعد اجتماعی، منبث از این است که در هنگام اجرای پژوهش خیلی از مدت زمان شهر شدن روستای سلفچگان نمی‌گذشت و پیش‌بینی می‌شود که هرچه از مدت زمان شهر شدن این منطقه بگذرد، پیامدهای منفی مقوله‌های مورد نظر نیز افزایش می‌یابد. از این رو یافته‌های این پژوهش برای برنامه‌ریزان و مدیران شهری شهر سلفچگان می‌تواند مهم و اثربخش باشد و از افزایش پیامدهای منفی جلوگیری کند.

منابع

- اسفندیاری، علی‌اصغر؛ سمیره مقدس حسین‌زاده؛ مجید دلاوری (۱۳۸۷). «ارزیابی عملکرد مناطق آزاد تجاری ایران و تأثیر آن در توسعه اقتصادی این مناطق». *مجله پژوهشنامه اقتصادی*. ۲۸. ۱۱۹-۱۴۶.
- ازکیا، مصطفی؛ غلامرضا غفاری (۱۳۸۴)، *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران، انتشارات کیهان.
- بابایی‌فرد، اسدالله (۱۳۸۹). «توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی در ایران». *فصلنامه رفاه اجتماعی*. (۱۰) ۲۷.
- بانک جهانی (۱۳۸۳). «اقتصاد و بازرگانی ایران: بررسی نظام صادراتی ایران». ترجمه: محمد زاغیان. *اقتصاد «تازه‌های اقتصاد»*. ۳۰.
- پیران، پرویز (۱۳۸۲). «سیاست اجتماعی، توسعه اجتماعی و ضرورت آن در ایران (نقد و بررسی سند کپنهاک)». *فصلنامه رفاه اجتماعی*. (۱۰) ۳.

تأثیر مناطق ویژه اقتصادی بر رفاه و توسعه ... ۲۲۱

- التجائی، ابراهیم (۱۳۸۸). «مناطق آزاد تجاری و صنعتی: ابزار راهبرد توسعه صادرات در مقایسه با سه کشور دیگر آسیایی». پژوهشنامه اقتصادی. ۳۳.
- تحقیقی، مهدی (۱۳۸۷)، «تحلیلی بر وضعیت مناطق آزاد و ویژه در ایران، مدیریت». بررسی‌های بازرگانی. ۲۳.
- چاران دوب، شیاما (۱۳۷۷). نوسازی و توسعه. ترجمه: مرتضی قره‌باغیان و مصطفی. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- چمبرز، رابرت (۱۳۷۷). مسائل جامعه‌شناسی روستایی. ترجمه: مصطفی ازکیا، محمد مهاجر ایروانی و علی‌اکبر نیک‌خلق. تهران: نوبهار.
- چمبرز، رابرت (۱۳۸۷). توسعه روستایی اولویت‌بخشی به فقرای روستایی. ترجمه: مصطفی ازکیا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حاجی‌هاشمی، سعید (۱۳۸۴). توسعه و توسعه‌نیافتگی. تهران: گفتمان اندیشه معاصر.
- ژکوئی، نیکلاس (۱۳۷۰). «مناطق آزاد اقتصادی در اتحاد شوروی ابزاری برای اصلاحات اقتصادی و مرز جدیدی برای تجارت بین‌الملل». ترجمه: علیرضا طیب. اطلاعات سیاسی - اقتصادی. ۴۹ و ۵۰.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۸۳). قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۸۸). تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۹). قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۳). تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- سو، آلوین (۱۳۸۸). تغییرات اجتماعی و توسعه. ترجمه: محمود حبیبی مظاهری. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- شاکری، عباس و فریدون سلیمی (۱۳۸۵). «عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری در منطقه آزاد چابهار و اولویت‌بندی آنها با استفاده از تکنیک ریاضی AHP». *پژوهشنامه اقتصادی*. (۶). ۱.
- علوی‌نسب، سید محمد (۱۳۸۱). «مناطق ویژه اقتصادی چین: مدیریت، عملکرد و چشم‌انداز آینده». *مجله مجتمع آموزش عالی قم*. ۱۳.
- قانع‌راد، محمدمبین (۱۳۸۴). «رویکرد توسعه اجتماعی به برنامه‌های فقرزدایی در ایران». *فصلنامه رفاه اجتماعی*. (۵). ۱۸.
- *قانون تشکیل و اداره مناطق ویژه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران*. مصوب هیأت دولت. مورخ ۱۳۸۴/۹/۵.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۶). *توسعه سیاسی و تحول اداری*. تهران: قومس.
- کامران، حسن (۱۳۸۱). «علل توسعه‌نیافتگی مناطق آزاد ایران». *تحقیقات جغرافیایی*. ۶۵ و ۶۶.
- کولکارنی، پی. دی (۱۳۸۷). *مفهوم توسعه*. *توسعه اجتماعی*. ترجمه: محمود ارغوان. تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- لطیفی، غلامرضا و مهرناز امین‌آقائی (۱۳۸۵). «جایگاه مناطق آزاد در برنامه‌ریزی منطقه‌ای ایران». *فصلنامه علوم اجتماعی*. انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- مختاری، مرضیه و جواد نظری (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی کیفیت زندگی*. تهران: جامعه‌شناسان.
- مطیعی لنگرودی، سید حسن، نجفی کانی، علی اکبر (۱۳۸۵). بررسی و ارزیابی اثرات شهرک‌ها و نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی، نمونه موردی: شهرستان بابل، *پژوهش جغرافیایی*، ۱۴۷: ۵۸-۱۶۵.
- معینی، محمدرضا (۱۳۸۲). «سیاست اجتماعی، توسعه اجتماعی و نهادهای غیررسمی». *فصلنامه رفاه اجتماعی*. (۳). ۱۰.

تأثیر مناطق ویژه اقتصادی بر رفاه و توسعه ... ۲۲۳

- مک‌لالین، جی برایان (۱۳۸۵). *برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، رویکرد سیستمی*. ترجمه: فرح حبیب. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.

- موسائی، میثم (۱۳۸۸). «رابطه توسعه اجتماعی و توسعه اقتصادی». *راهبرد*. ۲۰.
- هاشمی، مالک، محمدجواد قائد محمدی و بهنام شکری (۱۳۸۷). «تحلیل وضعیت شهرستان‌های استان تهران از نظر توسعه اجتماعی». *فصلنامه پژوهش اجتماعی*.
(۱) ۱.

- ناتا واتی، ام، سی (۱۳۸۷). «نقش نیروی انسانی در توسعه اجتماعی». *توسعه اجتماعی*. ترجمه: مهناز شاه‌علی‌زاده. تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

- هال، پیتر (۱۳۸۷). *برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای*. ترجمه: جلال تبریزی. تهران: انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران).
- یاگونیر، گری؛ رابرت مک فارلند و ان. اسوکان (۱۳۸۷). «مفهوم توسعه». *توسعه اجتماعی*. ترجمه: مسعود آریایی‌نیا. تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

- Aggarwal, Aradhna (2007). "Impact of special economic zones on employment, poverty and human development". *Working Paper*. 194.
- Cai, Dongshi et al. (eds.) (2008). *Xi Zhongxun Governing Guangdong (Xi Zhongxun Zhuzheng Guangdong)*. Beijing: Chinese Communist Party History Press.
- Ge, W. (1999b). "Special economic zones and the opening of the chinese economy: Some lessons for economic liberalization". *World Developmen.*, 27 (7):1267-1285.
- Kong, Xiangtong (2013). *Chinese Aided Special Economic Zones as a Means for North Korean Reform*. The Ohio State University .

- Kusago T.; Tzannatos, Z. (1998). "Export processing zones: A review in need of update". *Social Protection Discussion Paper*. 9802. World Bank.
- Miyagiwa, K. F. (1986). "A reconsideration of the welfare economics of a free-trade zone". *Journal of International Economics*. 21, 337-350.
- Rohne , Emelie (2013). *Chinese-initiated Special Economic Zones in Africa: a case study of Ethiopia's Eastern Industrial Zone*. Master thesis. Supervisor: Erik Green.
- Shah, Semil (2008). *Special Economic Zones in South Asia: Comparative Analysis of Bangladesh, Sri Lanka, and India*. mimeo, Harvard University.
- Thomas, R. S. (1956). *Free Ports and Foreign Trade Zones*. Cornell Maritime Press, England: Cambridge.
- Wang, Jin (2010). *The Economic Impact of Special Economic Zones: Evidence from Chinese Municipalities*. Editorial Express. https://editorialexpress.com/cgi-bin/conference/download.cgi?db_name=NASM2011&paper_id=239 (accessed November 2012).
- Singh , Rahul (1995) *The tribune, Chandigarh*, 14 September.
- Armas, E. B., & Jallab, M. S. (2002). *A review of the role and impact of export processing zones in world trade: The case of Mexico*. Documents de Travail Working Papers, W.P. 02-07
- Yeung, Yue-man; Lee, Joanna; and Kee, Gordon (2009). *China's Special Economic Zones at 30* "Eurasian geography and economics". (50) 2: 222-240.